

بن، مشاور راهبردی اخراج شده ترامپ اعلان جنگ کرد

آنا‌رشی‌ و‌اشنگتن؛ جنگ قدرت رو‌چیلدها و‌راکفلرها

صفحه ۱۵

یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ ■ ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۳۸ ■ ۲۰ آگوست ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۲۶ ■ صفحه ۱۶ ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

گمانه‌زنی‌ها درباره آینده منصوریان در استقلال

وضعیت قرمز

صفحه ۱۴

Vol.09 ■ No.2236 ■ Sun.Aug.20, 2017 ■ ISSN:2008-2886

تیتراهای امروز

سریال حملات تروریستی از کاتالونیا تا فنلاند، آلمان و روسیه ادامه یافت

شیوع تروریسم تابستانی اروپا



صفحه ۱۵

واردکنندگان بازار را ملتهب کردند

بازار خودرو جوش آورد!

صفحه ۳

نگاهی به فیلم پر تب و تاب «بیست‌ویک روز بعد»

این جنوب شهری‌های قهرمان

صفحه ۱۳

موج سوم استقلال طلبی کالگریز همراه با بحران واشنگتن از راه رسید

کالیفرنیا به دنبال قانون مستقل

صفحه ۱۵

یاد

تقدیم به شهید محسن حججی

باز هم خون برتر از شمشیر شد

علی قدیری



عطر اخلاص تو عالمگیر شد گوشه‌ای از کرلا تصویر شد

گرچه شم‌ری بار دیگر شد پدید باز هم خون برتر از شمشیر شد

می‌خروشید از نگاهت اقتدار زین صلابت دشمنت تحقیر شد

حاجیان زلف خود اهدا می‌کنند عاشقان را بدل سر، تقصیر شد

شام هجرانت سحر شد عاقبت با گلویت خنجری در گیر شد

لحظه وصلی سراسر شور و عشق در کدامین شب چنین تقدیر شد؟

مدعی پنداشت راحت شد تمام راه و رسمت در جهان تکثیر شد

اینکه هر جا قطعه‌ای از نینواس‌ت روز عاشورای تو تفسیر شد

عکس تو در قاب جان‌ها جاگرفت قلب‌های مرده هم تسخیر شد

ای شفیع روز محشر ای شهید دست ما بر دامت زنجیر شد

یار غایب را سلام از ما رسان نوبت دیدار یاران دیر شد

وزارت مجدد زنگنه چقدر آب می‌خورد؟

محمد صدری

گفتن نداشت. همچنین اسناد تمام واریزه‌ها به حساب برخی متهمان پرونده نیز افشا و به دادگاه ارائه شد که جای هیچ شک و شبهه‌ای نگذاشت.

در نتیجه سازمان بازرسی کل کشور به طور کل اجرائی این قرارداد را ملغی اعلام کرد اما با روی کار آمدن دولت یازدهم، همان مسئولانی که در امضای قرارداد کرسنت نقش داشتند و پرونده‌های آنها در مراجع قضایی باز بود، دوباره در وزارت نفت و شرکتهای زیرمجموعه آن مسؤولیت گرفتند و بیژن زنگنه بار دیگر تصدیی وزارت نفت شد. همین امر سبب شد شرکت کرسنت از این موضوع استفاده کرده و آن را دستاویزی برای کم‌رنگ کردن نقش فساد در امضای کرسنت قرار دهد.

مدیران این شرکت مدعی شدند اگر ایران معتقد است در این قرارداد فسادی رخ داده است، پس چرا امضاکنندگان این قرارداد دوباره در راس بزرگ‌ترین مناصب صنعت نفت این کشور قرار داده شده‌اند؟ روند پیگیری پرونده کرسنت در دادگاه لاهه که تا پایان دولت دهم به‌نفع ایران در حال گذر بود، تغییر کرد و دادگاه لاهه رای داد این قرارداد از لحاظ قانونی لازم‌الاجراست و طرف ایرانی باید تعهدات خود را عملی کند اما وقتی ایران باز هم به این رای گردن نهد، دادگاه لاهه تصمیم به جریمه کردن ایران و پرداخت غرامت به طرف اماراتی گرفت.

با این حال بیژن زنگنه در زمان رای اعتماد در مجلس برای تصدیی وزارت نفت دولت یازدهم قول حل ۲ هفته‌ای پرونده کرسنت را داده بود اما به جای حل ریشه‌ای این پرونده با انتشار خبری پرداختن به کرسنت در رسانه‌ها ممنوع شد! از سوی جنتی، وزیر وقت ارشاد دولت یازدهم در خرداد ۹۴ عنوان شد این ممنوعیت به سبب امکان محکوم شدن ایران به جریمه چندین میلیارد دلاری در دادگاه لاهه گذاشته شده است اما به نظر می‌رسد این محبت بیشتر برای فراموشی کرسنت در اذهان و بعد از آن هم فراموش شدن تعهداتی که آقای وزیر برای حل و فصل ۲ هفته‌ای آن داده بود، مطرح شده است.

بدقولی و عدم پایبندی آقای وزیر تنها به حل ۱۵ روزه پرونده کرسنت ختم نمی‌شود! نگاهی به عملکرد شیخ‌الوزرا در وزارت نفت دولت یازدهم نشان می‌دهد آقای زنگنه نتوانسته انظوری این فساد به دادگاه ارائه شد که حمید جعفر، مدیرعامل کرسنت با دیدن آنها حرفی برای

بیژن زنگنه در جلسه بررسی صلاحیت در پاسخ به انتقادها درباره استخدام برخی نمایندگان ادوار حامی خود در وزارت نفت: سر بسته می‌گویم اگر نماینده نگران شغل آینده خود باشد، هزاران مفسده دیگر درست می‌شود؛ من هم تعدادی را به کار گرفتم

نماینده استخدام می‌کنم!

صفحه ۲



محسن یوزمان، رئیس مجلس

بخشش لازم نیست

محسن یوزبورع

فرزندشان بگذرند. خیرها تعداد روانسری‌های حاضر در این برنامه را ۵ هزار نفر اعلام می‌کند. اتفاق روانسر را باید ادامه همان بخششی دانست که از سواحل دریای خزر و در شهر نور شروع شد. می‌توانست آنها را در جای دیگری قرار دهد. شاید فقط لحظه‌ای عصیان را فروخوردن جای محکوم و مقتول را تغییر می‌داد اما گاهی لحظاتی در زندگی رخ می‌دهد که برگشت‌ناپذیر است. همیشه به این فکر می‌کنی که کاش می‌توانستی برگردی و جای پازل‌هایی را که برایت چیده شده، عوض کنی. گاهی زور کنشگران مدنی به این می‌رسد که زندگی‌ای را دوباره برگردانند، تلاش کنند برای اینکه بخشیدن تبدیل به گفتمان شود. همه بخشند و زندگی را تبلیغ کنند.

کنشگران این حوزه چندین دلیل را برای این عدم بخشش عنوان می‌کنند، بسیاری از خانواده‌هایی که منتظر انعام شدن محکوم هستند، اگر چه می‌بینند که تا صدور و اجرای حکم چند سال فاصله افتاده است و در این چند سال قاتل، در زندان و در شرایط کابوس‌انعام به سر می‌برد اما با بخشش، دیگر مجازاتی برای او نیست و آزاد می‌شود و به جامعه بازمی‌گردد. یعنی وقتی اولیای دم از خون مقتول گذشتند، جامعه هیچ حقی برای قصاص ندارد و این مساله، برای برخی از اولیای دم در قبال جامعه مسؤولیت ایجاد می‌کند. اینکه عدای معتقدند اگر اولیای دم این را می‌دانستند که با بخشش آنها، قاتل بلافاصله آزاد نخواهد شد، بسیاری از آنان از قصاص صرف‌نظر می‌کردند. عدای دیگر اما بر این گمانند که امکان تغییر قانون وجود ندارد و بهتر است به جای تلاش در این حوزه، سعی کنیم بیشتر بر مفهوم بخشش تأکید کنیم. در قرآن بر اهمیت بخشش تأکید شده است. خداوند در قرآن فرموده که اگر محکوم را ببخشید، ما این عفو را کفاره گناهان شما قرار می‌دهیم. می‌توان این سوی قضیه را که بخشش محکومان است مورد توجه قرار داد.

سال ۹۳ جمع کثیری از اهالی شهر «روانسر» در یک حرکت جمعی از خانواده یک شهروند که به قتل رسیده بود خواستند قاتل فرزندشان را ببخشند. همان منطقه‌ای که اتفاقاً ابتکار شکستن تفنگ‌های شکاری برای جلوگیری از سید حیات‌وحش، از آنجا آغاز شد. جمع کثیری از کاسب‌ها، بازاریان، فعالان مدنی و شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی شهر در یک روز تصمیم گرفتند ابتدا بر سر مزار «امید مرادی» که قبرستان این شهر حاضر و پس از آن روانه خانه مقتول شوند و از خانواده و بخواهند از خوتخواهی

منتظر انعام است. خانواده‌ای هم چشم به انتظار برای اینکه زودتر انعام شود؛ دو سوسیه تریک برای هر دو خانواده. هیچ کس نمی‌داند چه رخدادهای دیگری می‌توانست آنها را در جای دیگری قرار دهد. شاید فقط لحظه‌ای عصیان را فروخوردن جای محکوم و مقتول را تغییر می‌داد اما گاهی لحظاتی در زندگی رخ می‌دهد که برگشت‌ناپذیر است. همیشه به این فکر می‌کنی که کاش می‌توانستی برگردی و جای پازل‌هایی را که برایت چیده شده، عوض کنی. گاهی زور کنشگران مدنی به این می‌رسد که زندگی‌ای را دوباره برگردانند، تلاش کنند برای اینکه بخشیدن تبدیل به گفتمان شود. همه بخشند و زندگی را تبلیغ کنند. کنشگران این حوزه چندین دلیل را برای این عدم بخشش عنوان می‌کنند، بسیاری از خانواده‌هایی که منتظر انعام شدن محکوم هستند، اگر چه می‌بینند که تا صدور و اجرای حکم چند سال فاصله افتاده است و در این چند سال قاتل، در زندان و در شرایط کابوس‌انعام به سر می‌برد اما با بخشش، دیگر مجازاتی برای او نیست و آزاد می‌شود و به جامعه بازمی‌گردد. یعنی وقتی اولیای دم از خون مقتول گذشتند، جامعه هیچ حقی برای قصاص ندارد و این مساله، برای برخی از اولیای دم در قبال جامعه مسؤولیت ایجاد می‌کند. اینکه عدای معتقدند اگر اولیای دم این را می‌دانستند که با بخشش آنها، قاتل بلافاصله آزاد نخواهد شد، بسیاری از آنان از قصاص صرف‌نظر می‌کردند. عدای دیگر اما بر این گمانند که امکان تغییر قانون وجود ندارد و بهتر است به جای تلاش در این حوزه، سعی کنیم بیشتر بر مفهوم بخشش تأکید کنیم. در قرآن بر اهمیت بخشش تأکید شده است. خداوند در قرآن فرموده که اگر محکوم را ببخشید، ما این عفو را کفاره گناهان شما قرار می‌دهیم. می‌توان این سوی قضیه را که بخشش محکومان است مورد توجه قرار داد.

ادامه در صفحه ۵



گمانه‌زنی‌ها درباره آینده منصوریان در استقلال

وضعیت قرمز

صفحه ۱۴

Vol.09 ■ No.2236 ■ Sun.Aug.20, 2017 ■ ISSN:2008-2886

یادداشت امروز

نمایش کله‌گنجشکی

صادق فرامرزی

در روزهایی که گذشت و درست در میانه ردوبدل شدن خبرهای بررسی صلاحیت وزیران پیش‌نهادی دولت در مجلس شورای اسلامی، خبری مبنیی بر اعتصاب غذای یکی از سرران قتنه در شبکه‌های اجتماعی دست به دست و تبدیل به سوزهای جنجالی میان برخی کاربران شد. در همان ساعات اولیه نشر خبر بود که برخی کاربران حامی این فرد سخن از آغاز اعتصاب غذایی دسته‌جمعی برای رسیدگی به مطالبات محصوران را پیش کشیدند و دستهای دیگر با از رو بستن شمشیر به سمت دولت، از وعده محقق نشده روحانی برای رفع حصر گلایه کردند و مدعی سوءاستفاده ایزاری رئیس‌جمهور از حساسیت‌های خود شدند اما در این میان نیز عده‌ای دیگر از کاربران با استفاده از هشتگ #نمایش_اعتصاب تحلیل‌هایی دیگر از این قضیه کردند و آن را تقلایی برای دیده شدن و دست و پایی برای بر سر زبان‌ها افتادن قلمداد کردند. هر چه که بود داستان این اعتصاب غذا بیش از زمان یک «روزه کله‌گنجشکی» ادامه پیدا نکرد (بعدا معلوم شد همین هم نبوده) تا رئیس مجلس ششم همانند آن دسته از نمایندگان متحن آن مجلس که عاقبت «روزه سیاسی»‌شان با انتشار عکس‌های چلوکباب‌خوری‌شان در پشت‌پرده تبدیل به یک طنز سیاسی شد باز هم در مطرح کردن خود ناکام بماند.

آنچه اکنون مطرح است چرایی متوسل شدن به این رویکرد توسط سرران فتنه و حامیان‌شان است.

برخلاف آنچه در روزهای اخیر از زبان این شیخ فتنه نقل شده، بعید است مطالبه برگزاری دادگاه به‌جای حصر علت اصلی این اقدام باشد، چرا که آنان خود بهتر از هرکسی از حکم احتمالی دادگاه و دست خالی خود در دفاع از عملکرد ۲۰ ماهه خویش در حدفاصل خرداد ۸۸ تا بهمن ۸۹ آگاه هستند و اگر نیز بنا بر صحت چنین ادعایی باشد، انفعال در پیگیری چنین روالی توسط آنان در شش و نیم سال گذشته مورد سوال قرار می‌گیرد. با این اوصاف علت اصلی چنین خودزنی‌ای برای مطرح کردن خویش در افکار عمومی چیست؟ اگر آنگونه که حامیان فتنه ادعا می‌کنند موفقیت روحانی در ۲ انتخابات اخیر مدیون حامیان این جنبش است، چرا و به‌عنوان رئیس شورایعالی امنیت ملی هیچگاه پیگیر این مساله نبوده و حتی به قول حامیان این جریان از وانمود کردن به چنین عملی نیز دریغ کرده است؟ اگر آنگونه که توسط برخی فعالان اصلاح‌طلب گفته می‌شود رای ۲۴ میلیونی رئیس‌جمهور پیش از آنکه رای به جناب روحانی باشد رای به محصوران بوده است (علت چنین ضعفی در پیگیری پایان یافتن حصر چیست؟ واقعیت آن است که شکاف موجود میان آنچه در ۲۹ اردیبهشت رخ داد و آنچه سعی می‌شود به‌عنوان ۲۹ اردیبهشت تصویر شود، آنقدر عمیق است که همه این فرضیه‌ها را باطل می‌کند؛ چه آنکه رفتار اخیر نیز گواهی بر این مدعاست.

بیزمان رفتارشناسی دولت در عدم تمایل برای هزینه کردن خویش به پای جریان فتنه و حتی رفتار کجدار و مریز اصلاح‌طلبان در پیگیری این مساله اشاره به چند نکته حیاتی و لازم است:

۱- دولت بخوبی می‌داند مساله فتنه ۸۸ برای عموم مردم یک مقوله پایان یافته است، این را می‌شود از طریقه تبلیغاتی رئیس‌جمهور در ۲ انتخابات اخیر فهمید. هر چند روحانی در جمع‌های اصلاح‌طلبان، حرف از پایان حصر می‌زد اما هرگاه در میدانی قرار می‌گرفت که عموم مردم مخاطب سخنانش قرار می‌گرفتند (حضور در ۶ مناظره انتخاباتی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ مهم‌ترین مصادیق این ادعاست) حتی به کنایه سخنی در باب سال ۸۸ به زبان نمی‌آورد. او بهتر از هرکس دیگری می‌دانست تعریف کردن خود در این پازل می‌تواند آرای قابل توجه اما کم‌بسیروصلایی که روحانی را گزینمای در جهت «ثبات» و «آرامش» می‌دانستند از دست بدهد. او بعد از پیروزی در انتخابات هم بخوبی می‌دانست که آنچه او را ۲ بار به پاستور راهی کرده بیم و امیدهای معیشتی‌ای است که او توانسته بود در افکار عمومی آنها را به رویکرد سیاست‌خارج خود پیوند بزند. با چنین فضا و شرایطی طبیعی است که روحانی نه تنها تمایل چندانی برای هزینه کردن به پای مهره‌های سوخته اصلاحات نداشته باشد که حتی میدان یافتن آنان را پسندی برابر ثبات و آرامش فرض کرده و تهدیدی در برابر دولت خویش نداند.

ادامه در صفحه ۵